



**اتومبیل پونتیاک ۱۹۷۳**

۸ سیلندر، فرمان هیدرولیک ، ترمزهای هیدرولیک دیسک و بوستر. نماینده انحصاری در ایران، شرکت ایران جمس: خیابان تخت جمشید، بین بهار و جاده قدیم شمیران شماره ۵۸۳

## حضور نیروهای ایرانی در عمان

## جنگ ظفار



بهمن زند، سفیر وقت ایران در دبدار با سلطان قابوس

مشترک یک پیمان بین دو کشور منجر شد. ایران اولین یگان نظامی خود را به‌صورت محدود در آذر ۱۳۵۱ به عمان فرستاد و یک سال بعد با درخواست کمک مجدد سلطان قابوس در ۲۹ آذر ۱۳۵۲ نیروهای واکنش سریع ارتش ایران در منطقه صلاله عمان حضور یافتند. حضور نظامی ایران در جنگ ظفار که سه سال طول کشید دائم از سوی شاه و ارتش ایران مخفی یا انکار می‌شد تا جایی که هیچ‌گاه تعداد نیروهای ارتش ایران که در جریان این درگیری‌ها جان باختند اعلام نشد. با پایان یافتن نبرد با جدایی طلبان حکومت ایران روز ۲۵ مهر ۵۴ اعلامیه پایان کار را صادر کرد. همچنین سلطان قابوس در آذر ۱۳۵۴ به‌طور رسمی اعلام کرد که جنگ ظفار پایان یافته است.

### بریده‌چریده

تهیه و تنظیم:حسین مجیدی

محمد ساعد مراغه‌ای، که دوبار نخست‌وزیر، هشت مرتبه وزیر امور خارجه، یک بار وزیر کشور، چهار مرتبه سفیر کبیر و وزیر مختار، چهار دوره نماینده مجلس سنا و یک دوره وکیل مجلس شورای ملی بود در ساعت یک‌بامداد امروز (پنجشنبه ۱۰ آبان ۱۳۵۲) زندگی را بدرود گفت. محمد ساعد مراغه‌ای در سال ۱۲۵۹ در تفلیس به دنیا آمد. پدرش شیخ احمد مراغه‌ای در این شهر به کار تجارت اشتغال داشت. محمد ساعد تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تفلیس به پایان رسانید و برای ادامه تحصیل در رشته علوم سیاسی به شهر سن‌پترزبورگ روسیه و پس از آن دانشگاه لوزان سوئیس رفت. پس از پایان تحصیلات و بازگشت به ایران، به‌دلیل آشنایی به

محمد ساعد مراغه‌ای، که دوبار نخست‌وزیر،

هشت مرتبه وزیر امور خارجه، یک بار وزیر کشور، چهار مرتبه سفیر کبیر و وزیر مختار، چهار دوره نماینده مجلس سنا و یک دوره وکیل مجلس شورای ملی بود در ساعت یک‌بامداد امروز (پنجشنبه ۱۰ آبان ۱۳۵۲) زندگی را بدرود گفت. محمد ساعد مراغه‌ای در سال ۱۲۵۹ در تفلیس به دنیا آمد. پدرش شیخ احمد مراغه‌ای در این شهر به کار تجارت اشتغال داشت. محمد ساعد تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تفلیس به پایان رسانید و برای ادامه تحصیل در رشته علوم سیاسی به شهر سن‌پترزبورگ روسیه و پس از آن دانشگاه لوزان سوئیس رفت. پس از پایان تحصیلات و بازگشت به ایران، به‌دلیل آشنایی به



### کشیدن سیگار در سینماها ممنوع شد



### روز شمار

گردآوری:محمدگرشاسبی

**۱۲ مهر**

دفتر رادیو بی‌بی‌سی در تهران به علت اظهارنظرهایی که حکومت ایران آنها را «مفرضانه» خواند، تعطیل شد و رئیس و کارمندان انگلیسی آن از ایران اخراج شدند.

**۲۰ مهر**

دولت ایران در ناوشکن مجیز به موشک‌های هدایت شونده از امریکا خریداری کرد.

**۲۸ مهر**

یک روزنامه کویتی فاش ساخت فرودگاه تهران برای تسهیل انتقال اسلحه به اسرائیل سه روز بسته بود. مطبوعات بسیاری از کشورهای اسلامی، به هم پیمانی پنهان محمد رضا شاه با اسرائیل انتقاد کردند.



**۲۹ مهر**

لئونید برژنف دبیر کل حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی در رأس هیاتی وارد تهران شد.

**۱۴ آذر**

دولت ایران اعتراض رژیم عراق مبنی بر حضور نظامی ایران در بخش‌هایی از خاک عراق را رد کرد.

**۱۵ آذر**

نزاع چند سارق اشیاء عتیقه، مأموران را از وجود شهری تاریخی متعلق به خوارزمشاهیان در ۶۳ کیلومتری تربت حیدریه باخیر ساخت.

**۱۷ آذر**

رژیم عراق جمعی از کمونیست‌های ایرانی مخالف رژیم شاه را از خاک خود اخراج کرد.

**۱۸ آذر**

مجله نیویورکر فاش ساخت که ۱۴ تن تریاک قاچاق از مرز به کاخ سعدآباد برده شد و به اشرف پهلوی تحویل شد.

**۱ بهمن**

دوبید را کفلر رئیس بانک چیس مهنن نیویورک وارد تهران شد و در طول اقامت خود در تهران با مقامات بانک صادرات ایران دیدار و گفت‌وگو کرد.

**۲۱ بهمن**

زد و خورد خوئین مرزی میان ایران و عراق بیش از ۱۲۰ کشته و مجروح بر جای گذاشت. از این روز به یکشنبه سیاه یاد شده است. اکثر کشته‌های ایرانی، اسیران دریند ارتش بعث بودند که قتل عام شدند. متعاقب این درگیری، دولت بغداد به سازمان ملل شکایت برد و مدعی شد ایرانی‌ها ۳۳ نظامی عراقی را کشته‌اند.

**۲۶ بهمن**

جلسه شورای امنیت سازمان ملل صحنه مشاجره نمایندگان ایران و عراق به‌خاطر درگیری خوئین مرزی در روز ۲۱ بهمن شد.

**۲۴ اسفند**

یک هواپیمای دو موتوره کارااول متعلق به شرکت هوایی «استرلینگ ایرویز» هنگامی که با ۹۶ مسافر و خدمه از فرودگاه مهرآباد برمی‌خواست، آتش گرفت و ۲۱ نفر کشته شدند. سایر مسافران که مصدوم بودند به بیمارستان منتقل شدند.

**۱۷ اسفند**

سفارتخانه‌های ایران در استکهلم و بروکسل به اشغال جوانان نقابداری درآمد که نسبت به روند سرکوب و اختناق در ایران معترض بودند.



**پیتکس**

حشره کش

مطمئن بی‌خطر



خسرو گل‌سرخی (سمت راست) و کرامت‌الله دانشیان در دادگاه

و جمشیدی به اعدام محکوم شدند؛ اتحادیه و سیاهپوش به پنج سال حبس و شکوه فرهنگ، ابراهیم فرهنگ و قیصری هر یک به ۳ سال حبس محکوم شدند. دادگاه تجدیدنظر روز سه‌شنبه دوم بهمن ماه ۱۳۵۲ تشکیل شد؛ در این دادگاه حکم اعدام دو نفر از محکومین دادگاه اول یعنی سلیمی به ۱۵ سال و جمشیدی به ۱۰ سال تغییر کرد و پنج نفر از متهمان یعنی بطحایی، گل‌سرخی، دانشیان، سماکار و علامه‌زاده همچنان به اعدام محکوم شدند. روز بیست‌وهشتم بهمن‌ماه ۱۳۵۲ روزنامه‌ها، از عفو اعدام بطحایی، سماکار و علامه‌زاده و تأیید حکم اعدام گل‌سرخی و دانشیان خبر دادند؛ آنها یک روز بعد از عفو، در بامداد بیست‌ونهم بهمن ۱۳۵۲ در میدان چنگر تهران تیرباران شدند.

گل‌سرخی و دانشیان اعدام شدند

# ماجرای یک گروگانگیری

اسلحه تهیه کند و بطحایی که خود با دانشیان، شکوه و ابراهیم فرهنگ، اتحادیه، جمشیدی و سیاهپوش گروهی برای مطالعات مارکسیستی تشکیل داده بود، پیشنهاد سماکار را می‌پذیرد. مسئولیت تهیه اسلحه به کرامت دانشیان سپرده می‌شود. این پروژه اما به نحو مشکوکی لو می‌رود و تمامی اعضای گروه و برخی همفکرانشان که اساساً در جریان این عملیات نبوده‌اند بازداشت می‌شوند. می‌گویند امیرحسین فطانت از هم‌پندیان دانشیان ماجرا را به ساواک گزارش

کرده ولی او خود منکر این مسأله است. داستان هر چه باشد بالاخره گل‌سرخی و دوستانش دستگیر می‌شوند. نویسنده و روشنفکر مارکسیست که به گفته همسرش عاطفه گرگین معتقد بود: «ایدا استاده مرد»! روزی که خبر اعدامش را به همسرش در زندان می‌دهند، می‌گوید «چه بهتر که آدم با ایمان به راهش بمیرد». روایت رحمت‌الله (ایرج) جمشیدی از روز حادثه چنین است: «قرار بود ساعت ۲ بعدازظهر روز چهارشنبه در تقاطع خیابان تخت جمشید و ایرانشهر شمالی حاضر شوم. من حاضر شدم اما از طرف مقابل من خبری نشد. همه‌چیز به هم ریخته به‌نظر می‌رسید و من در تماس تلفنی با شکوه میرزادگی بشدت از آشفنگی قرارها گلابه کردم. پس‌از اینکه موفق نشدم اسلحه را تحویل بگیرم، از محل دور شدم و



چند ساعت بعد، به سمت همدان حرکت کردم… در حالی که اصلاً فکر نمی‌کردم، دستگیر شوم. ظاهراً یک نفر همه ما را لو داده بود.» مأموران ساواک همگی اعضای گروه را بازداشت می‌کنند؛ بازجویی آغاز می‌شود و اعضا لب به سخن باز می‌کنند. شکوه فرهنگ نام گل‌سرخی و مقدم سلیمی را که اصلاً در جریان طرح گروگانگیری نبودند به زیان می‌آورد. برخی در پی ترئه خود بودند و ساواک در پی اثبات اقتدار خود. اما این گل‌سرخی و دانشیان بودند که شجاعانه در زندان

و در مقابل بازجویان می‌ایستادند؛ گل‌سرخی وقتی که به او می‌گفتند آنها را نخواهند کشت، می‌گفت: «من کاری نمی‌کنم که شما بتوانید مرا نکشید» و دانشیان در زندان به رفقایش می‌گفت: «اگر این پرونده خونی دهد و کسی از افراد متهم در این پرونده کشته شود، آن وقت تمام نقشه‌های ساواک برای بهره‌برداری از این پرونده سازی‌ها نقش بر آب شده است» البته چنین هم شد. دادگاه بر گزار شد؛ دفاعیه گل‌سرخی در دادگاه نظامی مشهور شد؛ دفاعیه‌ای که همان زمان با سانسور از تلویزیون پخش شد و بعدها سه بار دیگر، یک‌بار در ۲۹ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ و دو بار دیگر در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۷ پخش شد. نتیجه رأی در دادگاه بدوی این بود که گل‌سرخی، دانشیان، سلیمی، بطحایی، سماکار، علامه‌زاده

پروتئین گیاهی در آشپزخانه وزارت کشاورزی

### ورود سویا به سفره ایرانی ها



و بخصوص کودکان و نوجوانان و جوانان می‌توانند از این طریق تأمین شوند، بدون آنکه نیازی به مصرف زیاد گوشت یا تخم مرغ باشد. مقامات وزارت کشاورزی پس از انجام یک سلسله آزمایش ها و به‌دست آوردن نتایج لازم تصمیم دارند مصرف پروتئین گیاهی را در ایران تشویق کنند. غذاهایی که در آشپزخانه وزارت کشاورزی طبخ و مورد آزمایش قرارگرفت عبارت بود از دلمه، پته سبزی‌ها، شامی پوک، کوفته ریزه، کباب کوبیده، همبرگر، کوفته تبریزی و خورش فسنجان که وزیر، معاونان و کارشناسان آنها را صرف کردند.

روزنامه اطلاعات - دوشنبه ۱۲ آذر ۱۳۵۲



وهله اول اقدامات لازم را برای رفع نقص اتومبیل خراب شده بعمل خواهند آورد و اگر چنانچه اتومبیل احتیاج به تعمیرات اساسی داشت آن را با جراثقال(جرثقیل) به نزدیکترین تعمیرگاه منتقل خواهند کرد. برای شروع این کار، سازمان آتش نشانی ابتدا سه اکیپ امداد در سه نقطه حساس شهر در نظر گرفته است. اعضای این سه اکیپ قادر خواهند بود مشکلات فنی قسمتی از اتومبیل‌های تهران و شهری را برطرف کنند. براساس طرحی که در نظر گرفته شده است تا چند ماه دیگر تعداد این اکیپ‌ها بیشتر خواهد شد.

روزنامه اطلاعات - پنجشنبه ۲۲ آذر ۱۳۵۲